

مبانی تربیت و رشد اسلامی

مستندات جلسه چهارم

موضوع:

تعصب و توقف

بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

مقام معظم رهبری و علامه مجلسی

علامه مجلسی رو من در در طول تاریخ علمای شیعه، یکی از طراز اول‌ها می‌دانم؛ خیلی شخصیت خیلی بزرگی دارد علامه مجلسی. مساله او هم فقط هم مسئله حدیث نیست که بحارالانوار را جمع کرده است. بیان‌های ذیل احادیث و آیات در بحارالانوار نشان می‌دهد که این مرد، فقیه، محقق و وارد در علوم عقلی یک مرد بزرگ بوده است و این توفیق عظیم را در تألیف این کتاب‌های ماندگار به دست آورده است. کتابی مثل بحارالانوار مگه شوخیه؟ یا ملاذالخیار که شرح تهذیب است، یا مرآت العقول که شرح کافی است. (در دیدار طلاب اصفهان؛

(۱۳۸۰/۸/۸)

مقام معظم رهبری و استاد محمد رضا حکیمی

ارجاع برنامه‌سازان معارفی به استاد حکیمی

شما باید یک گروه مشاوره‌ی محتوایی از مناسبترین شخصیت‌هایی که امروز میتوانید پیدا کنید، داشته باشید؛ مثلاً از آقای مصباح دعوت کنید و اصرار هم نکنید؛ یا مثلاً از شاگردان آقای مصباح دعوت کنید. خوشبختانه یکی از موفقیت‌های آقای مصباح یزدی در قم این است که ایشان برخلاف خیلی از فضلاء ما که فضلشان در خودشان منحصر مانده، فضلش در شاگردان خوب سرریز شده است؛ فرضاً از همین آقای محمدی عراقی که از شاگردان آقای مصباح است و طلبه‌ی بسیار فاضل و چیزفهمی هم است، استفاده کنید. سراغ شخصیت‌هایی هم که کنار هستند و در صحنه‌ی معارف مذهبی خیلی حضور پیدا

نمیکنند، اما آماده هستند که به شما کمک کنند، بروید؛ مثلاً سراغ آقای محمدرضا حکیمی بروید و از ایشان استفاده کنید. بنابراین، یک گروه مشاوره درست کنید و از اینها خوراک فکری محتوایی بخواهید؛ اینها هم برنامه‌ریزی کنند و اصلاً به شما بگویند که امروز چه چیزی لازم است. (بیانات در دیدار اعضای گروه ویژه و گروه معارف اسلامی صدای جمهوری اسلامی ایران؛ ۱۳۷۰/۱۲/۱۳)

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت ایشان

بسم الله الرحمن الرحيم

با تأسف و تأثر خبر درگذشت عالم و متفکر برجسته جناب آقای محمدرضا حکیمی قدس الله نفسه را دریافت کردم. ایشان دانشمندی جامع، و ادیبی چیره‌دست، و اندیشه‌ورزی نوآور، و اسلام‌شناسی عدالتخواه بودند. ایشان عمر را فارغ از آرایه‌ها و پیرایه‌های مادی، در خدمت معارف والای قرآن و سنت گذرانده و آثاری ارزشمند از خود به جا نهادند. بهره‌گیری از محضر پر فیض و نفس گرم استادان معرفت و معنویت در مشهد مقدس، ذخیره‌ئی از توکل و تعبد و غنای نفس در دل و جان این شخصیت عزیز به جا نهاده بود که تا آخر عمر با برکتش وی را استوار می‌داشت. این جانب فقدان اندوهبار این رفیق دیرین را به خاندان مکرم حکیمی و بازماندگان بویژه برادر بزرگوار ایشان و نیز به همه‌ی دوستان و علاقمندان آن مرحوم تسلیت عرض می‌کنم و رحمت و مغفرت الهی را برای وی مسألت مینمایم.

سیدعلی خامنه‌ای؛ ۱ شهریور ۱۴۰۰

کتاب الحیاة از نگاه مقام معظم رهبری

از گردآوردگان این کتاب قیمتی که به نام الحیات نامگذاری شده است به مناسبت جمع‌آوری گنجینه‌های گران‌بهای فرهنگ غنی اسلامی سپاسگزاری می‌کنم و از همه‌ی فضلا و

نویسندگان و محققان علوم اسلامی جدا و مصرانه تقاضا می‌کنم که در این دوران شکوفایی اسلام به تحقیق و پیگیری منابع فرهنگ اصیل اسلامی بپردازند.^۱ (نماز جمعه تهران؛ ۱۳۶۰/۱/۷)

حاج آقا مروی و نقل خاطره‌ای از مقام معظم رهبری

خاطرم هست همان روز (سال ۶۹) که با مرحوم حکیمی خدمت رهبر انقلاب شرفیاب شدیم، حضرت آقا به جناب حکیمی فرمودند این کاری که شما در الحیة انجام دادید، یک کار منحصر به فرد است. دیگران هم در حوزه در مقوله‌ی آیات و روایات، مشابه این کار را انجام داده‌اند، اما از این منظر که شما وارد شدید همان نوآوری و یک نگاه اصیل دینی است که منحصر به فرد است. این را ما نداریم و من از شما می‌خواهم بیاید یک عده از طلبه‌ها را تربیت کنید که با این سبک و با این نگاه، سراغ معارف قرآن و سنت بروند. یادم هست مرحوم علامه حکیمی در پاسخ گفت آقا، من خیلی حال و حوصله این کارها را ندارم. آقا هم فرمودند من حاضرم کمک کنم و امکانات در اختیار شما قرار بدهم تا جمعی از طلبه‌های با استعداد فاضل و خوش فکر را جذب کنید و آن‌ها را آموزش بدهید تا بتوانند مثل کتاب الحیة سراغ قرآن و روایات بروند. (پایگاه اطلاع رسانی

دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری <https://khl.ink/f/> ۴۸۶۲۰)

در صفحات ابتدایی هر یک از مجلدات کتاب الحیة، جایی که نام کتاب درج شده؛ این عبارت آمده است:

دائرة المعارفی اسلامی، علمی، پژوهشی است که روش زندگی فردی و اجتماعی آزاد و پیشرو را ترسیم می‌کند و انسان‌های سراسر جهان را به پی‌ریزی یک نظام مردمی شایسته فرامی‌خواند.

۱. این سخنان در حالی بیان می‌شد که ایشان کتاب الحیة را در دست گرفته بودند. برای دیدن فیلم به [این جا](#) مراجعه کنید.

در مقدمه کتاب الحیاة که بسیار خواندنی است، آمده است که:

۷ - هدف این کتاب و گزینش مواد و کیفیت تألیف آن - به طور نوعی - شناساندن مسائلی است که اسلام آورده است، این مسائل چنان که باید و شاید، مورد شناسایی و تعریف قرار نگرفته است. در بیان احکام نیز مقصود ذکر صرف حکم نیست، بلکه غرض روشنگری است در باره موقعیت هر حکم، در حد خود آن حکم و در باره پیوستگی آن با دیگر احکام.

۸ - از حقایق دینی‌ای که در این کتاب بر خواننده عرضه خواهیم داشت، بروی آشکار خواهد شد که تعلیمات اسلامی به بیان کردن و ترسیم خطوط اساسی مسائل انسانی و اجتماعی، و عوامل اقتصادی، و اصول کلی کاملاً توجه کرده است، و همچنین حرکت و سنت تاریخ را نیز تعبیر و تفسیر نموده است. و همه اینها را مبتنی بر اصول علمی و حقایق آزمونی عرضه داشته است، همان گونه که حرکات دین، در دوره‌های گوناگون تاریخ نیز، مطابق با همین اصول بوده است.

۹ - از اینجا دانسته می‌شود که برنامه‌ای که دین برای اندیشیدن و شناخت واقع‌طرحریزی کرده و به تأکید در باره آن سخن گفته است - بدان صورت که قرآن کریم آن را بیان داشته است - برنامه‌ای است کاملاً علمی که برای ژرفنگری و مطالعه، و دانا شدن به همه نموده‌های طبیعی عرضه گشته است. و به همین جهت است که در قرآن کریم، از طبیعت و نموده‌های طبیعی، فراوان سخن رفته، و حتی چند سوره از سوره‌های قرآن به نامهایی همچون آهن (حدید)، مورچه (نمل)، زنبور عسل (نحل)، انجیر (تین)، ماده گاو (بقره)، نامیده شده است.

همچنین در کتاب «نهج البلاغه» از امام علی «علیه السلام» و در رساله‌ها و احادیث رسیده از دیگر امامان «علیهم السلام»، ذکری فراوان و تحقیقی فراگیر در باره بسیاری از حقایق طبیعی

مشاهده می‌کنیم، که مردمان را به دانا شدن درست نسبت به این حقایق و شناخت واقعی و عینی پیدا کردن در باره آنها، یعنی شناختی آزمونی و تجربی، تشویق کرده‌اند.

۱۰ - همچنین در قرآن کریم بخشهای برجسته‌ای می‌بینیم که ما را به دریافت پیوستگیهای علت و معلولی، مخصوصا در مورد آنچه به نمودهای تاریخی و تحولات اجتماعی، و به پیدایش تمدنها و نابود شدن آنها، و به شناخت پیشامدهایی که بر گذشتگان گذشته است مربوط می‌شود، برمی‌انگیزد. و این خود از مهمترین انگیزه‌ها برای مطالعه تحولات تاریخی و دریافت آنها، و نیز دریافت علت‌های آنها از دیدگاه تاریخ و اجتماع است. قرآن کریم به این تفقه و تحقیق و ژرفنگری بارها مردمان را فرا خوانده است. و پوشیده نیست که این گونه فهم دقیق، چه امکانات علمی و عملی مهمی در اختیار انسان قرار می‌دهد، تا به وسیله آنها سرنوشت اجتماع نیکوتر شود، و تطور و تحول قضایای مهم بشری، در امت اسلامی و در سایر امتهای زمین، صورتی شایسته‌تر پیدا کند.

۱۱ - قرآن کریم از انسان و احوال و مراحل هستی او فراوان سخن گفته است، و همگان را به شناخت انفس، یعنی جانها، که همان شناخت موجودیت معنوی آدمی است، برانگیخته است. و همچنین همگان را به شناخت آفاق، یعنی جهان، تشویق کرده است. و راهی که قرآن برای جستجوی معرفت و به دست آوردن دانش در پیش پای ملتها قرار می‌دهد، نگرستن است و جستجو کردن و آزمودن عینی، نه فقط شناخت ذهنی که تنها بر برهانهای عقلی و فکری محض متکی است.

۱۲ - و از اینجا است که قرآن کریم از از نحله‌ها و فلسفه‌ها و مشربهای عرفانی مصطلح، به وضوح جدا می‌شود. بنا بر این اصل، تفسیر کردن حقایق اسلام محمدی، و تجزیه و تحلیل

مسائل قرآنی، بر روش فلسفه یونانی و مشارب عرفانی، یا هر فلسفه دیگر مبتنی بر ذهنیات، دور شدن از فهم و دریافت قرآن، و بیرون رفتن از قلمرو حقایق قرآنی و ماهیت آموزشهای قرآن است. و چنین است اگر موضوعات مختلف قرآن را تنها در ضمن اصول مادی محض مورد تحلیل و تفسیر قرار دهیم. همه اینها دور شدن از فهم قرآن است. زیرا که قرآن به چیزها از دو جهت مادی و معنوی به صورت توأم می‌نگرد، نگرشی تجربی و عینی و غنی و آگاهانه، که به مکتبی دیگر و چیزی دیگر، از اقتباس و تطبیق، نیاز ندارد. و این خصوصیتی است که در دیگر مذبه‌ها و مکتبها دیده نمی‌شود.

۱۳ - پس قرآن کریم را منطقی خاص و برنامه‌ای ویژه است. و مسلم است که تعالیم هر مکتب و مذهب می‌باید به میانجیگری منطق خود آن مورد بررسی و دریافت قرار گیرد، نه با منطقی دیگر، یا با ضوابطی که از لحاظ زمینه با آن تضاد دارد، زیرا که اگر چنین شود پای توجیه و تأویل به میان می‌آید. و توجیه و تأویل سبب دگرگون شدن معانی و پوشیده ماندن حقایق خواهد گشت. (الحیة، ج ۱، ص ۵۱-۵۲)

توصیه می‌کنم برای آشنایی با روش تعامل استاد حکیمی با معارف قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام کتاب‌های ذیل را مطالعه کنید:

۱. فهرست هر دوازده جلد کتاب «الحیة» به همراه مقدمه‌ای که در جلد اول آمده است و مطالعه گذرای برخی از صفحات الحیة.
۲. پیام جاودانه (با موضوع قرآن)
۳. مقام عقل (با موضوع عقل)
۴. قیام جاودانه (با موضوع عاشورا)
۵. خورشید مغرب (با موضوع غیبت، انتظار، تکلیف)